

۷۵۸
۵
۱۱/۵
خسره

بوی زعفران در نخلستان

به کوشش
دکتر محسن دانا

نشر اقلیدس

دانا، محسن.
بوی زعفران در نخلستان / به کوشش: محسن دانا، مشهد:
اقلیدس، ۱۳۸۴.
۱۳۶ ص.

ISBN: 964-8019-16-0

فهرستویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف. دانا، محسن ب. عنوان

۲ ب ۳۱۳ / د ۷۸۶ PIR ۱/۶۳ فا ۸
۱۳۸۴

نشر اقلیدس

نام کتاب: بوی زعفران در نخلستان
گردآورنده: دکتر محسن دانا
حروفچینی: نگارشگران تحریر گناباد
طرح جلد: محمد نجفی ثانی
چاپخانه: زیان
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴
قیمت: ۱۳۰۰ تومان
شابک: 964-8019-16-0

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست اشعار

۳۸	 جشن نام‌داری گیاه	۱	 اگر شعر نمی‌نویسد اما
۳۹	 در کوره راه شانس	۲	 پیش‌گفتار
	□ ابوالحسن دلشاد	۴	 مقدمه
۴۲	 به یاد فاجعه دلخراش زلزله بم		□ دکتر عباس اسماعیلی
۴۳	 جادوی چشم	۵	 زلزله دی ماه ۸۲ شهرستان بم
۴۴	 راهایی	۶	 یاد ایرج
۴۵	 صهیای لب	۷	 امید و آبادی
۴۶	 خنجر برق		□ دکتر حمید افضلیان
۴۷	 اسیر غمزه	۸	 خار در چشم
۴۷	 مدارا	۹	 جشن باغ
۴۸	 بلدای یأس	۱۰	 منظر چشمان
۴۸	 پیچک خیال	۱۰	 سایه
۴۹	 خیال تو		□ علی امیری دلویی
۴۹	 شعله نگاه	۱۲	 شعری برای بم
۵۰	 صهیای دیدار	۱۵	 سایر اشعار
۵۰	 قطعه		□ حسین پور ابراهیم
۵۱	 بغض آسمان	۳۰	 تعارف آمده، نیامد دارد
۵۲	 سکوت سربی دریا	۳۱	 عاطفه مادری
۵۳	 کلک نگاه	۳۳	 علم بهتر است یا ثروت
۵۴	 هجرت پرنده		□ ابوالفضل حسینی
۵۵	 ایمان دروغ	۳۵	 شعر برای بم
	□ حسن ذوالفقاری	۳۶	 در زمانی
۵۶	 بیت	۳۷	 نجوا

□ مهدی رضانی

- یادداشت ۵۹
رباعی برای بم ۶۱
سایر اشعار ۶۱

□ ذبیح الله صابری

- سپیده غبار ۶۹
مرا یک لحظه باور کن ۷۰
شکوه ۷۱
دل واپسی ۷۲
رهایی ۷۲
شبنم صبح بهاری به گلستان برگردد ۷۳
از دیار کویر ۷۴
غروب خاطرات ۷۵
چه خواهم کرد ۷۶
واگذارید مرا ۷۶
گرفتار ۷۷
تیر غم ۷۸
باید سرود ۷۹
بگذار بسوزم ۸۰
ای دل شوریده ۸۱

- سفره دل ۸۲
شمس ضحی ۸۳
عطش باغ ۸۴
پرواز ۸۵
داغدار ۸۵

□ ناهید سیاح زاده

- شب گرد ۸۷
پوچ ۸۷

- تقدیر ۸۸
رباعی ۸۹
وحشی فریاد ۸۹
بهانه ۹۰
عصیان ۹۰
رسوا ۹۱
هزین ۹۲

□ عاطفه عطانی

- آرامشهر ۹۳
دختر کویر ۹۵
دیگر برایم آسمان رنگی ندارد ۹۷
شهر شب ۹۸
بیا، بین ۹۸
یکی با شعر می مونه ۹۹
انتظار روزهایی که نمی آیند ۱۰۱
زندگی زیباست ۱۰۲
احساس سوختن ۱۰۳
او خواهد آمد ۱۰۴
پیمانه‌ی وفا ۱۰۵

□ منوچهر نوربخش گنابادی

- به نام خدا ۱۰۶
پلنگ فاجعه ۱۰۷
چند غزل ۱۰۹

□ اسفندیار فیاضی

- دیشب پدرم به خوابم آمد ۱۲۵
میز ۱۲۶
بی گذر و رازدم ۱۲۸
مگم ایم یک دروغ ۱۳۱

اگر شعر نمی‌نویسد اما، طبیعتش شاعرانه است

می‌دانید، جدا از همه تعاریفی که از شعر و شاعری توسط برخی از نظریه پردازان ایراد گردیده است، شعر می‌تواند یک قدرت واقع شود. شعر، اندیشه، احساس و گفتار را با لطف و قدرت بیشتری ادا می‌کند و تأثیرگذار و به جای ماندنی‌تر خواهد بود. اندیشه، هنر و تخیل خلاق هر نسل همچو یارانی حیات فرهنگی و اجتماع پیرامون خود را بارور می‌سازد. به هر حال «بہوی زعفران در نخلستان» یکی از مجموعه‌هایی است که بدون شک بر این نیت استوار گردیده است.

بعد از زلزله اسفناک و دلخراش شهر بم با جناب آقای دکتر محسن دانا در یکی از نشست‌ها و محافل ادبی شهرستان گناباد آشنا شدم، با توجه به روحیه شعر پذیری و علاقه‌ای که در وجود ایشان بود انس و القم روز به روز نسبت به ایشان افزون گردید، همیشه در مراسم شب شعر و نشست ادبی فرهنگی شرکت می‌نمود و خود اگر شعر نمی‌نوشت، اما طبیعتی شاعرانه داشت، به طوری که توانسته بود نظر افراد مختلفی را به خود جلب نماید. وقتی سخن از فرهنگ، تاریخ و مهر و دوستی با ایشان به میان می‌آمد، بهترین دقیقه‌ها و تانیه‌های پرفراز و نشیب عمر خود را یاد می‌کرد، سالهایی که با دوستان خود سپری نموده بود. در رخسار گندمی‌اش همیشه عشق به مردم شریف بم دیده می‌شد مردمی که بهترین لحظه‌های عمر خود را با آنها گذرانده بوده خود را به گونه‌هایی مدیون این عزیزان می‌دانست.

در یکی از روزهایی که با ایشان در مورد وضعیت شعر شهرستان صحبت می‌کردم به بنده پیشنهاد دادند اشعار شاعران شهرستان گناباد را که در مورد فاجعه زلزله بم گفته‌اند جمع‌آوری نمایم تا به بازماندگان این عزیزان و مردم عزادار کرمان جهت عرض تسلیت و همدردی تقدیم نمایم..... لازم می‌دانم از اندیشه پاک این عزیز و همچنین جناب آقای دکتر اسماعیلی دوست و شاعر گرانمایه شهر بم و رئیس شورای این شهر که کمال همکاری نمودند سپاسگزاری نمایم.

خادم الشعراء علی امیری دلونی (باران گنابادی) ۸۴/۱/۱۹



پیش‌گفتار

«بیم - شهریور ۵۷ - خیابان دکتر شریعتی - روبروی تعاونی ۷ - انتهای پاساژ سجادالائمه - درمانگاه سپاه» آدرسی بود که برای خدمت و طرح پزشکی به من (محسن دانا) واگذار گردید. بم این سرزمین با طراوت و گرم کویر با باغ‌ها، نخلستانها، قناتهای پرآب و ارگ قدیمش همیشه آرامم می‌کرد و مرا به شگفتیها و اسطوره‌های شهرم همچون قنات قصبه گناباد (بزرگترین و قدیمی‌ترین قنات دنیا) قلعه دختر، ارگ فرود و... می‌انداخت و احساس خویشتاوندی با بم و مردمش را زنده می‌کرد.

عشق به امامان شیعه بخصوص علی‌ابن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام و انعکاس این عشق و محبت نسبت به بنده حقیر که مرا ریزه خوار نعمت آن امام همام می‌دانستند و همچنین خونگرمی و غریب‌نوازی مردم بم سبب شد تا بنده را که ۸۰۰ کیلومتر از وطن دور بودم هشت سال دلخوش به ماندن نماید.

امروز که به گذشته پرفراز و نشیب عمر باز می‌نگرم می‌بینم بهترین سالهای عمرم همانها بود، ایام خوش آن بود که با دوست به سر شد. اگر حادثه مرگبار و تلخ‌ترین خاطره زندگی من در ۵ دی، ماه ۸۲ نبود امروز دفترچه خاطراتم را شاهد شیرین رطب و بوی بهار نارنج فراگرفته بود. چه کنیم که مائیم و سرنوشت و تقدیر و راضی هستیم به رضای دوست.

اما این دفتر: مجموعه‌ای از اشعار تعدادی از شاعران پر احساس و نامی گناباد. اساتید و شاعران جوان و صاحب ذوق از انجمن ادبی دکتر محمد پروین گنابادی که در وصف بم و مردمانش سروده‌اند. و با زبان رسایشان همدردی و تسلیتشان را به مردم شریف این شهر اظهار نمودند. این کتاب را با عنوان بوی زعفران گناباد در نخلستانهای بم به همه آنهایی تقدیم می‌کنم که ولی نعمت من بودند. به روح بزرگ همکاران پزشک و دندانپزشک که به سوی حق شتافتند و نیز به همسایه‌های عزیزم در کوچه دهخدا - بلوار سرگرد آذر و همه بیمه‌های خونگرم که هیچ وقت فراموششان نخواهم کرد.

مقدمه

بیم شهری تاریخی است. اولین دبستان آن (عماد) در سال ۱۳۰۴ شمسی افتتاح شد. اولین هنرپیشه زن ایران که در فیلم دختر لر بازی کرد و هنرپیشگی را در دانشگاههای هنر آموخت از بیم بود. او خانم سامیدخت دختر شهر تاریخی بیم بود. بیم همواره مهد هنر بوده و هر سال در مسابقات موسیقی مقامی اول بوده است. خوانندگانی توانا چون داریوش رفیعی داشته و آقای کورش سرهنگزاده و بهزاد صدای آوازشان همچنان طنین انداز است. مرحوم علی سلطانی بی زن و موسیقیدان بنام از این دیار بوده است.

متأسفانه در جریان زلزله بسیاری از محققین ما چون آقای عرب، آقای غضنفری و آقای ایرانپور از موسیقیدانان افرادی چون ملا حسین بی زن از شعرا افرادی چون روح ...، سلطانی، خانمها مظفری و غنی زاده و... جان خود را از دست دادند. خواننده خوش صدای ما، ایرج بسطامی نیز ما را تنها گذاشت و به خیل رفتگان پیوست.

ما اکنون بر ویرانه های شهر چون ارگ مغموم و ژولیده اما سرافراز و در کنار نخلهای استوار شهرمان امیدوار نشسته ایم و بنا داریم با کمک مردم خویش دولت و هموطنان مهربان و مردم آزاده جهان شهر بیم را بهتر از قبل بازسازی کنیم و ارگ تاریخی خود را مرمت نمائیم. خوشبختانه یونسکو و جهان ارگ بیم بازارها و سایر آثار فرهنگی، خانه ها، باغها، و قناتها و کلیه شهر بیم را ثبت تاریخی نموده و لوح آن را تحویل شورای شهر بیم داده است.

از جناب آقای دکتر دانا دندانپزشک و دوست عزیز که چند سالی از جوانی خویش را صرف خدمت به مردم شهر بیم نموده اند سپاسگزاری می شود. افسوس که بسیاری از این خدمت دیدگان زنده نیستند تا درود و سپاس خود را تقدیم این عزیز با محبت نمایند اما این خدمت را بازماندگان آنها ارج می نهند.

از شعرای عزیز گنابادی و مردم عزیز گناباد و جناب آقای علی امیری دبیر انجمن ادبی محمد پروین گنابادی که به یاد مردم بیم مجموعه شعری ترتیب چاپ دادند و از آقای دکتر محسن دانا که هزینه چاپ آن را به عهده گرفته اند و در تاریخ جاودانه خواهد ماند، سپاسگزاری می نمائیم.

بدیهی است اشعار عزیزان و نور چشمان: علی امیری (باران گنابادی)، منوچهر نوربخش، ناهید سیاحزاده، عاطفه عطائی، ذبیح ..، صابری، ابوالحسن دلشاد، مهدی رضائی، آسفندیار فیاضی، حسن ذوالفقاری، دکتر حمید افضلیان و دکتر ابوالفضل حسینی و سایر شعرای توانای گنابادی همراه با آهنگ دل انگیز ندای انسانهای آزاده در زوایای ارگ و شهر بیم و در روح و جان مردم بیم طنین انداز خواهد شد.

هموطن هست اگر خاطر ما غمگین

مهر این هموطنان در دل دیوانه ماست

با سپاس و تشکر از شما مردم عزیز گناباد

دکتر عباس اسماعیلی رادیولوژیست و رئیس انجمن شعر و رئیس شورای اسلامی شهر بیم

به نام خداوند جان آفرین

حکیم سخن در زبان آفرین

و شاعران پیام‌آورانی زمینی‌اند و شعرشان را نوعی سروش غیبی، واسطه‌ای میان خاک و افلاک و ماده و معنی و انسان و خدا، نمی‌شود شعر نابی را شنید و شاهد به پرواز درآمدن روح نبود، گویی آواز پر جبرئیل است، زلال و گوارا است. همچون چشمه‌ای در برهوت و آتشین است و برانگیزاننده همچون نام طبل سیاهان و خاموش است و آرامش‌بخش همچون مسکنی در التیام درد و همه اینها هست و هیچکدام هم نیست و در یک کلام باید گفت: شعر، شعر است و همین. همه شاعران از دیرباز تا به امروز در یک کلام با هم متحدند و آن این که شاعر به سراغ شعر نمی‌رود و شعر به سراغ او می‌آید و به تعبیری الهام می‌شود و وسعت و عظمت و وصف‌ناپذیری آن در همین جاست. اصلاً زبان و کلام یک عنصر ارتباطی است و ربطی به مقوله هنر ندارد و اما آدمی هنرمندانه‌ترین ابداع خویش را در آن به منصف ظهور می‌رساند و هنر اول و مادر همه هنرها را خلق می‌کند؛ ادبیات را که حاشا که آدمی خود توانسته باشد به این مهم رسیده باشد مگر آن که خالقش در ازل نقشی این گونه برایش قائل شده باشد و خواهان نزدیک‌تر شدن هر لحظه او به خودش باشد. پس شاعران گرانقدرند و بلندمرتبه و شعرشان واسطه‌ای است برای وسعت بخشیدن به روح. پس دریابیم آنها را و پاسدار و ارج‌گزار آثارشان باشیم آن هم در روزگاری که انسان در تارهای عنکبوت‌وار مادیات به سختی گرفتار آمده است و هر روز روح او به حقارت بیشتری دچار می‌شود.

دفتری فراهم آمده است از تنی چند از شاعران این دیار که هر چند معرف همه شاعران و سخنوران گناباد نیست اما شروعی است ارزنده که آن شاء... در آینده با چاپ این گونه جنگ‌ها شاعران بیشتری معرفی شوند. در همین جا باید از همت دکتر دانا به خاطر تأمین مخارج آن و تلاش علی امیری (باران گنابادی) در جمع‌آوری آن تشکر و قدردانی قلبی‌ام را ابراز نمایم. آنچه در این دفتر در خور توجه است آوردن چند اثر از شاعر بزرگ و پیشکسوت استاد نوربخش در کنار چند شاعر جوان است که آثار ارزنده همه این عزیزان معرف ذوق و اندیشه والای آنهاست. خداوند به همه این عزیزان صحت و سلامت و بهروزی عطا فرماید.

علی مصباح محقق و نویسنده گناباد ۱۳۴/۴/۱۶